

مجله شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۶۳، سال دوازدهم، مه ۲۰۱۱

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

● «کلام حقیقت»

بخش چهارم: آیا ممکن است یک مسیحی نجات خود را از دست بدهد؟

(تت استیوارت)

● آزادی در مسیح

بخش هفتم: جنگیدن جنگ روحانی؛ دشمنان را بشناسید

(ریک میلر/هندریک شانظریان)

● ترغیب به آرامش و اتحاد

بخش اول (جان بانیان/تت استیوارت)

دفتر مجله:

Talim Ministries, Inc
P.O.Box 471736
Aurora, Colorado, 80047-1736
U.S.A.
e-mail: Tatstewart@Comcast.net
Website: www.Talimministries.com

«کلام حقیقت»

بخش چهارم: آیا ممکن است یک مسیحی نجات خود را از دست بدهد؟

از کشیش تَت استیوآرت

این سؤال که آیا شخص مسیحی نجات خود را از دست می‌دهد یا نه، برای بسیاری موضوعی لاینحل باقی مانده است. علت عدم قطعیت در این زمینه را می‌توان در فقدان تشریح روشن کتاب مقدس آن یافت. از آنجا که این مسأله عمیقاً به ماهیت نجات ما مربوط می‌شود و پیامدهای عمیقی در موعظه و خدمت شبانی ما دارد، معتقدم که بررسی آن مستلزم تحقیقی جدی در کتاب مقدس می‌باشد. نحوه پاسخ به این سؤال حیاتی بستگی دارد به درک ما از تعالیم کتاب مقدس در باره ماهیت گناه، نجات، عادل‌شمردگی و جلال یافتن. لذا از شما دعوت می‌کنم این موضوع حیاتی را به همراه من بررسی کنید. دعا می‌کنم که خدا به شما، به‌هنگام تحقیق از کتاب مقدس، ببینش روح القدس را عطا فرماید. «مسکینان را به‌انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد.» (مزمور ۹:۲۵).

در ضمن اینکه به این موضوع حیاتی می‌پردازیم، می‌خواهم بعضی از مفروضات خود را با شما در میان بگذارم. من معتقدم که آنانی که بر این عقیده‌اند که شخص می‌تواند نجات خود را از دست بدهد، ایماندارانی عزیز و صادق هستند و بسیاری از آنان، دوستان نزدیک من می‌باشند. همچنین معتقدم که باید اجازه بدهیم دیدگاه‌های متفاوت الهیاتی ما را به‌سوی کتاب مقدس سوق دهند تا اطمینان حاصل کنیم که تعلیم آن را درست درک کرده‌ایم، زیرا یقین کامل دارم که کلام خدا نمی‌تواند با خود تناقض داشته باشد. اگر ایمان داریم که کلام خدا حقیقت است، نتیجه می‌گیریم که فقط یک پاسخ به این سؤال وجود دارد که آیا شخص می‌تواند نجات خود را از دست بدهد یا نه. حال باید دید چگونه می‌توانیم به پاسخ درست دست یابیم.

موضع کسانی که معتقدند از دست دادن نجات امکان‌پذیر است

من معتقدم که یگانه رویکرد منصفانه به این مسأله، این است که بگذاریم آنانی که معتقدند شخص می‌تواند نجات خود را از دست بدهد، نظرات خود را ارائه دهند. نگرانی‌ای که اغلب از این افراد می‌شنوم این است که اگر تعلیم دهیم ایمانداران ممکن نیست نجات خود را از دست بدهند (امنیت ابدی)، این امر ایشان را به بی‌بند و باری تشویق خواهد کرد و انگیزه‌ای برای تقدس در ایشان باقی نخواهد گذاشت. علمای الهی این را «امنیت مشروط» می‌نامند، یعنی اینکه نجات ایماندار وابسته به سلوک وفادارانه او با خداوند است. پیروان این موضع این نظر را بر پایه بخشهای زیر از کتاب مقدس استوار می‌سازند.

اعتقادات مورد نظر ایشان

- ۱- استوار ایستادن تا به آخر: «بهجهت افزونی گناه، محبت بسیاری سرد خواهد شد. لیکن هر که تا به انتها صبر کند، نجات یابد.» (متی ۲۴: ۱۲-۱۳).
- ۲- زندگی کردن به روح: «زیرا اگر بر حسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را به وسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست. زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خدایند.» (رومیان ۸: ۱۳-۱۴).
- ۳- محکم نگاه داشتن کلام خدا و اطاعت از آن: «و به وسیله آن (یعنی انجیل) نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید والا عبث ایمان آوردید.» (اول قرنتیان ۱۵: ۱-۲).
- ۴- کاشتن برای روح: «هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند، و هر که برای روح کارد، از روح حیات جاودانی خواهد دروید.» (غلاطیان ۶: ۸-۹).

آیات مورد نظر ایشان

- ایشان همچنین می‌گویند که در کتاب مقدس بخشهایی هست که نشان می‌دهند مسیحیان می‌توانند تصمیم بگیرند که از پیروی از مسیح دست بکشند و خود را در گناه غوطه‌ور سازند، و بدینسان نجات خود را از دست بدهند. در این مقاله مجال آن نیست که هر یک از این بخشها را مورد تفسیر قرار دهیم، اما می‌خواهم به چند مورد آنها اشاره کنم تا خودتان آنها را مطالعه کنید.
- عبرانیان ۴: ۶-۸ در باره کسانی سخن می‌گوید که سقوط کرده‌اند.
 - عبرانیان ۱۰: ۲۶-۳۱ به آنانی اشاره می‌کند که پس از دریافت معرفت حقیقت، عمداً گناه کرده‌اند.
 - غلاطیان ۵: ۱۹ در باره گناهان خاصی سخن می‌گوید که می‌تواند شخص را از ملکوت خدا دور سازد.
- بسیاری از افراد با توسل به این آیات، معتقدند که مسیحیانی که عمداً به مسیح پشت می‌کنند و زندگی‌شان خدایسندانه نیست، نجات خود را از دست داده‌اند.

پیامدهای شبانی این موضع

مهم است که صادقانه در باره پیامدهای شبانی تعلیم «امنیت مشروط» تأمل کنیم. اگر امکان آن باشد که شخص مسیحی نجات خود را از دست بدهد، فقط می‌توان چنین استدلال کرد که او باید نجات خود را حفظ کند. این نکته ما را تنها به سوی یک نتیجه‌گیری سوق می‌دهد و آن اینکه شخص با مقداری از تلاش انسانی خود به آسمان می‌رسد. لذا تنها فیض نیست که ما را نجات می‌دهد، بلکه فیض به‌همراه کارهای نیک و وفاداری ما. یعنی اینکه وقتی در مقابل مسند داوری خدا می‌ایستیم، خواهیم توانست نجات خود را به مقداری از تلاش خود نسبت دهیم و به این ترتیب، مقداری از جلال را برای خود نگاه داریم.

به غیر از این نتیجه‌گیری مشکل‌زا، این مسأله هست که چنین تعلیمی چگونه بر کلیسای ما اثر می‌گذارد. پیروان این موضوع اغلب نسبت به کسانی که در برخورداری از زندگی خداپسندانه قاصر می‌آیند، رحمت لازم را نشان نمی‌دهند. مسیحیانی که طلاق گرفته‌اند، آنانی که با اعتیادهای نیرومند دست و پنجه نرم می‌کنند، یا افرادی که با مشکلات روانپزشکی درگیر هستند، اغلب در کلیسا مورد استقبال قرار نمی‌گیرند و خود را مطرود می‌بینند.

پیامد شوم دیگر این تعلیم این است که سبب می‌شود شخص احساس کند ریاکاری می‌کند، زیرا به‌جای اینکه کلیسا را مکانی امن برای دریافت کمک در پیروزی بر گناهان خود بیابد، آن را مکانی می‌بیند که در آن باید این احساس را در اطرافیان خود ایجاد کند که همه چیز در زندگی‌اش درست است. ایمانداران مجبورند کشمکشهای خود را با گناه پنهان سازند تا دیگران احساس کنند ایشان زندگی خداپسندانه‌ای دارند. حقیقت این است که زندگی هر ایمانداری میدان نبرد است و هر کس در شرایطی قرار می‌گیرد که در نبرد علیه گناه شکست بخورد.

چه عالی است که بدانیم خداوند عیسی شفیع ما است، طوری که وقتی توبه می‌کنیم، به مشارکت با پدر باز می‌گردیم. «ای فرزندان من، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید؛ و اگر کسی گناهی کند، شفیع دارم نزد پدر، یعنی عیسی مسیح عادل.» (اول یوحنا ۲: ۱). وقتی کلیسا این نکته را به‌درستی درک کند، می‌تواند پناهگاهی امن و مکانی برای شفای کسانی شود که می‌کوشند بر عادت‌های گناه‌آلود چیره شوند. اما از آنجا که بعضی بر این عقیده‌اند که شخص می‌تواند نجات خود را از دست بدهد، کلیسا غالباً حالتی محکوم‌کننده و ناپذیرا به خود می‌گیرد. در چنین حالتی، ایمانداران فقط یک راه دارند و آن اینکه کلیسا را ترک گویند.

مسیحی چه نوع شخصی است

اکنون توجه خود را بار دیگر معطوف می‌سازیم به سؤال اصلی: آیا یک مسیحی ممکن است نجات خود را از دست بدهد؟ در اینجا می‌خواهم تکرار کنم که آنانی که معتقدند شخص مسیحی می‌تواند نجات خود را از دست بدهد، همیشه به این خطر اشاره می‌کنند که اگر بر خلاف این تعلیم دهیم، مجوز بی‌بند و باری را صادر کرده‌ایم که پاکی و اتحاد کلیسا را از هم می‌پاشد. گرچه کاملاً با دغدغه حفظ پاکی کلیسای مسیح موافقم، اما یقین دارم که پاسخ به سؤال ما در بازنگری تعلیم کتاب‌مقدس در این زمینه نهفته است که مسیحی بودن چیست. گمان من این است که ریشه بحث ما ممکن است در این امر باشد که درک ما از اینکه مسیحی کیست متفاوت باشد. می‌خواهم روشن سازم که بنا بر اعتقاد من، مسیحی کسی نیست که مرتب دعای توبه می‌کند، یا به هیجان می‌آید تا به جلو منبر بیاید، یا در خانواده‌ای مسیحی پرورش یافته باشد. ظاهراً عیسی نیز همین دغدغه را داشت وقتی فرمود: «نه هر که مرا "خداوند، خداوند" گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است به‌جا آورد.» (متی ۷: ۲۱).

مسیحی شدن کار خدای روح القدس است (اول قرن‌تینان ۱۲:۳) که شخص را به واسطه ایمان قادر می‌سازد عیسی مسیح را به‌عنوان خداوند بپذیرد و به‌طور کامل به او اعتماد کند (افسسیان ۲:۸-۹؛ اعمال ۱۶:۳). عهدجدید به‌طور مشخص تعریف می‌کند که چه چیزی شخص را مسیحی می‌سازد. مسیحی کسی است که در مسیح «خلقت تازه» شده و اشتیاق جدیدی دارد تا خدا را خدمت کند و قدرت جدیدی دارد تا او را اطاعت نماید (دوم قرن‌تینان ۵:۱۷؛ افسسیان ۲:۴-۵). همچنین مسیحی کسی است که خدا او را به‌واسطه خون گرانبهای مسیح فدیہ داده است (اول پطرس ۱:۱۸-۱۹؛ ۲:۲۴). او از طریق ایمان عادل شمرده شده است، یعنی عدالت مسیح به حساب او گذاشته شده است (رومیان ۵:۱). او وقتی ایمان آورد، وعده حیات جاودانی را یافت (یوحنا ۳:۱۶). و بالاخره، از طریق سکونت مسیح در او، وعده تقدیس و جلال‌یافتگی را دریافت داشته است (رومیان ۸:۳۰). وقتی این بخشها را می‌خوانم، بیش از پیش متقاعد می‌شوم که من در گناهان خود مرده بودم و مطلقاً قادر نبودم خود را نجات دهم یا کاری بکنم که خدا از من خشنود گردد. «از آنجا که به اعمال شریعت، هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد.» (رومیان ۳:۲۰). بنابراین، شکی نیست که خدا آغازکننده و تکمیل‌بخش ایمان ما است (عبرانیان ۱۲:۲). پس چه کسی می‌تواند کاری را که خدا انجام داده، باطل سازد؟

شادی در وعده‌های خدا

به نظر من، آموزه امنیت ابدی زمانی برای ما ارزشمندتر خواهد شد که بر وعده‌هایی تأمل کنیم که خدا به ما داده است. چه بسیار مواقع بوده که جان من در این وعده شگفت‌انگیز خدا به‌وجود آمده که هیچ چیز نمی‌تواند مرا از محبت خدا که در مسیح عیسی است جدا سازد (رومیان ۸:۳۸-۳۹). وقتی صدای شیطان مرا متهم می‌سازد و او مرا مسخره می‌کند چرا که نتوانسته‌ام چیزی باشم که خدا امر فرموده، یقین می‌یابم که هیچ چیز نمی‌تواند مرا از محبت او جدا سازد و اینکه می‌توانم بار دیگر به‌سوی عیسی بیایم و بدانم که آغوش او همیشه باز است تا مرا تسلی بخشد.

یا چه اطمینان‌بخش است این فرمایش نجات‌دهنده ما که فرمود: «هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت.» (یوحنا ۱۰:۲۸-۲۹). این کلمات چقدر برایم تسلی‌بخش است وقتی وسوسه می‌شوم فکر کنم که در بیرون از من قدرت‌هایی هست که به من حمله می‌کنند و می‌خواهند مرا به تاریکی باز گردانند. من در زندگی مسیحی خود، چه امیدی می‌یابم وقتی فقط پی می‌برم که تمام بار این نبرد بر دوش من نیست، بلکه خود خدا نیز با من است. همچنین در یقین خود تقویت می‌شوم وقتی پی می‌برم که متعلق به مسیح هستم، همان گونه که پولس فرموده که روح القدس مرا مَهر کرده است (افسسیان ۱:۱۳-۱۴). وقتی احساس می‌کنم که روح القدس در درون من به حرکت می‌آید، مرا به گناهانم ملزم می‌سازد و مرا به تخت رحمت باز می‌گرداند، چه یادآوری شگفت‌انگیزی است که بدانم من تا به‌ابد متعلق به او هستم. وقتی دل‌سرد می‌شوم از اینکه می‌بینم در تقدیس خود پیشرفت نمی‌کنم، دوست دارم این فرمایش پولس در فیلیپیان ۱:۶ را بخوانم که وعده می‌دهد آن

کار نیکویی که خدا در من آغاز کرد، توسط خدا نیز تکمیل خواهد شد. اکنون درک می‌کنم که علت اینکه ایمانداران در سلوک خود با خدا مداومت و پایداری نشان می‌دهند، این است که خدا با آنان مداومت به‌خرج می‌دهد. خدا از یاد نمی‌برد آنانی را که نجات بخشیده است. آیا شخص مسیحی می‌تواند نجات خود را از دست بدهد؟ پاسخ این است که اگر خدا شخص مسیحی را نجات داده، غیر ممکن است که او نجات خود را از دست بدهد. از این رو است که در کتاب مقدس خدا به این شکل مورد تمجید قرار گرفته است: «الآن او را که قادر است که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی‌عیب، به فرحی عظیم قائم فرماید، یعنی خدای واحد و نجات‌دهنده ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد، الآن و تا ابدالآباد. آمین.» (یهودا ۲۴-۲۵).

پیامدهای شبانی

وقتی بتوانیم به‌طور کامل شگفتی نجات خود را هضم کنیم و عمق گناه خود را درک نماییم و بدانیم که در ما هیچ عدالتی وجود نداشت که خدا را بر آن دارد تا ما را نجات دهد، آنگاه لبریز از ستایش عمیق خدا خواهیم شد. وقتی در فیض رشد می‌کنیم، پی خواهیم برد که خلقت جدید شدن به این معنی است که طبیعت جدیدی می‌یابیم که از گناه متنفر است و عدالت را دوست می‌دارد؛ به این ترتیب، به فیض خدا، به تلاش خود ادامه خواهیم داد تا زندگی سرشار از پارسایی داشته باشیم. یک ایماندار واقعی که خدا را دوست می‌دارد، هرگز نمی‌تواند دائماً زندگی بی‌بند و باری داشته باشد. در اول یوحنا ۳:۶ آمده که کسی که در مسیح زندگی می‌کند، به گناه کردن ادامه نمی‌دهد. ما می‌دانیم که مسیحیان در گناه می‌افتند، اما روح القدس ایشان را ملزم می‌سازد و با خون مسیح به آغوش خدا باز می‌گرداند (اول یوحنا ۱:۹).

مسیحیانی که به گناه کردن ادامه می‌دهند

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وقتی مسیحیان به گناه و طغیان ادامه می‌دهند، چه اتفاقی می‌افتد؟ کتاب مقدس ما را بدون پاسخ نگذاشته است. اگر چنین شخصی ایماندار باشد که تولد تازه یافته، باید مطمئن باشیم که خدا او را تأدیب و انضباط می‌کند (عبرانیان ۱۲:۷-۱۱). انضباط باید از کلیسا شروع شود (متی ۱۸:۱۵-۱۷). آنانی که در گناه زندگی می‌کنند غالباً از مشارکت با ایمانداران دست می‌کشند. اما کلیسا مسؤلیت دارد تا ایشان را پیگیری کند و با دعا گناهشان را به ایشان یادآوری نماید تا ایشان را به رابطه با خدا و با کلیسا باز گرداند (دوم تیموتائوس ۲:۲۴-۲۶). در ضمن، مشکلات زندگی نیز می‌تواند ایشان را به جایی برساند که به خانه باز گردند، مانند ماجرای پسر گمشده. او گرچه در گناه و دور از پدر زندگی می‌کرد، اما هنوز پسر پدرش بود. ما غالباً باید با دعا منتظر ایمانداران طغیان‌گر باشیم تا در اثر مشکلات زندگی شکسته شوند. می‌توانیم مطمئن باشیم که مسیحیانی که دور از خدا زندگی می‌کنند، از تأدیب‌ها می‌گذرند.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که اگر چنین شخصی هیچ گاه توبه نکند و به خانه پدر باز نگردد، چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخ قطعاً این است که ایشان هرگز فرزند واقعی خدا نبوده‌اند. ما هنوز وظیفه داریم ایشان را با تعلیم انجیل پیگیری کنیم و برای توبه و نجات ایشان دعا نماییم.

آزادی در مسیح

نوشته ریک میلر

ترجمه و تلخیص: کشیش هندریک شانظریان

بخش هفتم: جنگین جنگ روحانی؛ دشمنان را بشناسید

این مقاله هفتمین بخش از این مجموعه است و ترجمه و تلخیصی است از سری دروس «آزادی در مسیح». این مجموعه توسط ریک میلر برای مطالعه در گروه‌های کوچک نوشته شده است. در طی شش شماره گذشته در ارتباط با «آزادی» موضوعات زیادی را مطالعه کردیم. ابتدا تعریفی از آزادی در مسیح ارائه کردیم: «آزادی در مسیح عبارتست از داشتن اشتیاق فراوان و قدرت لازم برای زیستن با خدا، غلبه بر قوت گناه، غلبه بر تأثیرات منفی فرهنگ حاکم و دروغهای شیطان. این آزادی از طریق توبه، تجدید افکار به‌وسیله حقیقت و در قدرت روح مقدس عیسی مسیح میسر می‌گردد. این آزادی نتیجه رابطه‌ای استوار و مبنی بر محبت و اعتماد است که به عنوان فرزندان با خدای فیض داریم.»

گر چه زیستن چنین زندگی‌ای در ۱۰۰٪ موارد امکان‌پذیر نخواهد بود، چون هنوز ما می‌توانیم گناه کنیم و مرتکب گناه خواهیم شد، ولی اراده خداست که در زندگی هر روز آزادی بیشتری را تجربه کنیم و در مسیح بیشتر رشد کنیم. خالصانه امیدوارم که اشتیاق شما نیز همین باشد و تا کنون در حیطه‌های مهمی شاهد روشن شدن مواردی در قلب و ذهن خود بوده باشید.

مرور

در مقاله دوم و سوم در باره هویت ما در مسیح و جایگاه ما در مسیح مطالبی ارائه شد. یاد گرفتیم که به عنوان فرزندان خدا رابطه‌ای مطمئن و محبت‌آمیز با خدای فیض داریم. همچنین یاد گرفتیم که در عیسی مسیح نسبت به گناه مرده‌ایم و برای خدا زنده. گناه دیگر ارباب ما نیست، زیرا زیر فیض خدا هستیم و نه شریعت. اینک آزاد هستیم که بدن خود را وسیله‌ای برای درست زیستن بگردانیم و نه گناه.

در مقاله چهارم با این موضوع دشوار که «چرا زندگی مسیحی ممکن است سخت و مشکل باشد» دست و پنجه نرم کردیم و درک کردیم که جسم چگونه عمل می‌کند و اینکه چگونه می‌توانیم با آزادی در روح رفتار کنیم. در مقاله پنجم و ششم موضوع دشوار درد و رنج را بحث کردیم و اینکه بخش عمده‌ای از آزادی ما در گرو پشت سر گذاشتن خشم و رهایی از عدم اعتماد نسبت به خداست، تا اینکه بتوانیم با ایمان به او رفتار کنیم. همچنین موضوع شایع خشم نسبت به دیگران و خودمان را شناسایی کردیم و به این وسیله کلید گشایش در آزادی، یعنی بخشیدن را معرفی کردیم.

دشمن روح ما

در دو مقاله باقی‌مانده از این سری در نظر داریم در باره موضوع «دشمن روح ما» یعنی شیطان، صحبت کنیم، تا بتوانیم از دامها و موانعی که او می‌خواهد با حيله‌گری در مسیر ما قرار دهد، در امان بمانیم. به فیض خدا در خواهیم یافت که چگونه می‌توانیم آزاد از «تأثیرات منفی فرهنگ و دروغهای شیطان» زندگی کنیم. و به زودی با بُعد دیگری از جایگاه خود در مسیح آشنا خواهیم شد، که زمانی با قدرت وارد صحنه می‌شود که نحوه پیروزی بر نیروی ظلمت در این جنگ نامرئی (روحانی) را در یابیم.

با توجه به این که دشمنان خداوندمان عیسی نمی‌خواهند هیچ یک از اعمال آنها آشکار شود، اکنون که این کار را شروع می‌کنیم، دعا کنیم و محافظت خدا را بطلبیم.

پدر آسمانی عزیز، به حضور آمده، تو را به‌عنوان خدای قدوس، عظیم و قادر مطلق می‌پرستم. هیچ چیز برای تو بیش از حد دشوار نیست. تو به‌عنوان شاه بر تمام کل هستی حاکم هستی، و من هم اکنون خود را به تو تسلیم می‌کنم و تو را به‌عنوان خداوند تمام زندگی‌ام می‌پذیرم. با این شناخت که دشمن جان من در صدد است که بزد، بکشد و نابود کند، از تو می‌طلبم که مرا از توطئه‌های او محفوظ نگه داری. بر تمامی ظلمتی که می‌خواهد زندگی مرا تحت کنترل خود در آورد، نور خود را بتابان، زیرا بدون کمک فوق‌العاده تو من قادر نیستم توطئه‌های او را ببینم و شناسایی کنم. تو را شکر می‌کنم که ظلمت نیز برای تو تاریک نیست، آنچه که پوشیده است برای تو چون روز روشن است. در نام عیسی که نور است دعا می‌کنم، آمین.

شناخت دشمن بر اساس کتاب مقدس

در وهله اول می‌خواهیم دشمن خود را بشناسیم، آنطوری که کلام برای ما آشکار می‌سازد. گر چه به علت محدودیت نمی‌توانیم تمامی اسامی او را به دقت بررسی کنیم، به بعضی از عمده‌ترین آنها نظری خواهیم انداخت تا به این وسیله درک بهتری از ماهیت و شخصیت او داشته باشیم.

صادقانه امیدوارم شیطان را فردی کوتاه‌قد، در لباسی قرمز با شاخ و دم و چنگالی بزرگ در دست که در حال دویدن به این طرف و آن طرف است به تصویر نمی‌کشید. مضحک و تعجب‌آور است که این کاریکاتور در تلویزیون چقدر جا افتاده است! این تصویر بسیار دور از واقعیت است و تا چند لحظه بعد او را آنطوری که هست معرفی خواهیم کرد.

امیدوارم تا کنون به این واقعیت پی برده باشید و یکبار دیگر هم آن را یادآوری می‌کنم، که برای پی بردن به حقایق مربوط به زندگی شما در مسیح، هیچ چیزی جای کتاب مقدس را نمی‌تواند بگیرد. پس ببینیم کتاب مقدس چگونه پرده‌ها را کنار می‌زند و واقعیت را در باره اینکه شیطان کیست آشکار می‌سازد.

هر یک از آیات زیر واقعیتی در باره دشمن ما می‌گوید یا راهی برای مقابله با آن معرفی می‌کند:

هر گاه شما کسی را ببخشید من نیز او را می‌بخشم و اگر لازم باشد که من هم او را ببخشم، باید بگویم که من او را در حضور مسیح و به خاطر شما بخشیده‌ام. ما نمی‌خواهیم شیطان از این فرصت استفاده کند؛ زیرا ما از نقشه‌های او بی‌خبر نیستیم. (دوم قرن‌تیان ۲: ۱۰-۱۱).

پس در مقابل قدرت خدا فروتن باشید تا او شما را در وقت مناسب سرافراز نماید. بار تمامی نگرانیهای خود را بر دوش او بگذارید، زیرا او همیشه در فکر شماست. هوشیار و مواظب باشید؛ زیرا دشمن شما ابلیس، چون شیری غُرّان به هر سو می‌گردد و در جستجوی کسی است که او را ببلعد. با قدرت ایمان در مقابل او بایستید، زیرا می‌دانید که ایمانداران در تمام دنیا به همین زحمات دچار شده اند. (اول پطرس ۵: ۶-۹).

از این جهت چون این بی‌خبری دیگر برای من غیر قابل تحمل بود، تیموتاؤس را نزد شما فرستادم تا از ایمان شما آگاه شوم، زیرا می‌ترسیدم آن اغواکننده یعنی شیطان شما را به نوعی وسوسه کرده و زحمات ما بی نتیجه مانده باشد. (اول تسالونیکیان ۳: ۵).

آنگاه صدایی بلند در آسمان شنیدم که می‌گفت: «اکنون نجات و قدرت و سلطنت خدای ما رسیده است و مسیح او قدرت را به دست گرفته است و کسی که مدعی ایمانداران بود و شب و روز آنان را در برابر خدای ما متهم می‌ساخت، از آسمان بیرون رانده شده است. (مکاشفه ۱۲: ۱۰).

شما فرزندان پدر خود ابلیس هستید و آرزوهای پدر خود را به عمل می‌آورید. او از اول قاتل بود و از راستی بی‌خبر است، چون در او هیچ راستی نیست. وقتی دروغ می‌گویید مطابق سرشت خود رفتار می‌نمایید؛ زیرا دروغگو و پدر همه دروغهاست. (یوحنا ۸: ۴۴).

علاقه من نسبت به شما علاقه‌ای الهی است، زیرا من شما را به عنوان یک باکره پاکدامن به عقد مسیح در آورده، به او تقدیم نمودم. اما اکنون می‌ترسم، همانطور که حوا بوسیله زیرکی مار فریب خورد، افکار شما نیز از ارادت و اخلاصی که به مسیح دارید، منحرف شود... زیرا این اشخاص رسولان دروغین و خادمان فریبکار هستند که خود را به شکل رسولان مسیح در می‌آورند. این چیز عجیبی نیست، شیطان هم خود را به صورت فرشته نور در می‌آورد. (دوم قرن‌تیان ۱۱: ۲، ۳، ۱۳، ۱۴).

واقعیت‌هایی در باره دشمن

پس از چند لحظه به‌طور خلاصه خواهیم گفت که کتاب مقدس چه تعلیم می‌دهد، ولی ابتدا باید چند چیز را کاملاً آشکار سازیم:

- اولاً، شیطان نقطه مقابل خدا یا مسیح نیست. خدا (پدر، پسر و روح القدس) ابدی و آفریننده همه چیزها است؛ شیطان تنها یک فرشته است، یک موجود مخلوق است همانند بقیه فرشتگان (به کولسیان ۱: ۱۳-۱۶ مراجعه شود).
- دوم، گرچه شیطان از ما قوی‌تر، باهوش‌تر و سریع‌تر است، نه او و نه ارواح پلید او هرگز قابل

مقایسه با خدا نیستند، چه رسد به برابری با خدا. تنها خدا قادر مطلق است. تنها خدا همه-داناست و تنها خدا همه-جا حاضر است.

• سوم، شیطان و ارواح شریر باید در مقابل اقتدار خدا سر فرود آورند، و قادر نیستند فراتر از محدوده‌ای که خدا برای آنها مشخص کرده است، عمل کنند (به ایوب باب ۱ و ۲؛ لوقا ۲۲: ۳۱، ۳۲ مراجعه شود).

خوب، حال ببینیم که چه مطالبی را از آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت.

ماهیت و عملکرد شیطان

- می‌خواهد از ما سوء استفاده کند، مخصوصاً زمانی که یک کشمکش حل نشده وجود دارد، خشمگین هستیم یا نمی‌توانیم ببخشیم (به افسسیان ۴: ۲۶-۲۷ مراجعه شود)
- می‌کوشد تا ما را غرق در ترس و اضطراب کند، و در پی این است که ما را تحریک کند تا ایمان خود را از دست دهیم؛ تاکتیک‌های او برای ترساندن ما همانند تاکتیک‌های یک شیر ترسناک است.
- او ذاتاً وسوسه‌کننده است و ما را وسوسه می‌کند، فریب می‌دهد و تحریک می‌کند تا عقب‌نشینی کنیم و مرتکب اعمال غیر اخلاقی گردیم.
- او مدام ما را متهم به گناه می‌کند، و سعی دارد احساس گناه و شرم در ما ایجاد کند؛ حتی سعی می‌کند از خدا اجازه یابد و به ما حمله کند.
- او ذاتاً دروغ‌گوست، و در باره خدا، خودمان، زندگی و غیره دروغ می‌گوید، تا ما را تحت کنترل خود نگه دارد؛ اگر می‌توانست ما را می‌کشت.
- با حيله‌گری خود ما را می‌فریبد، و در صدد این است که ما را از پرستش ساده و خالصانه مسیح دور سازد و به مذاهب و تعالیم غلط و مسیح‌های دروغین راهنمایی کند. او حتی می‌تواند مانند فرشته‌ای نورانی ظاهر شود، به این امید که او را بشنوید.

چگونه در مقابل آن مقاومت کنیم

- کسانی را که نسبت به شما یا کلیسا مرتکب گناه شده‌اند ببخشید.
- نسبت به توطئه‌های او بی‌خبر نباشید؛ با طرز رفتار و عملکرد او آشنا شوید.
- در حضور خدا با فروتنی و اطاعت کامل رفتار کنید؛ با تمام وجود خود به او اعتماد کنید؛ به یاد داشته باشید، هر قدر هم وضعیت دشوار باشد، او به فکر شماست؛ در روح بیدار و هوشیار باشید؛ هر چند شیطان تلاش می‌کند تا شما را وسوسه کند و در شما شک ایجاد کند، تا در ایمان و امیدتان سست شوید، در برابر او مقاومت کنید؛ دیگر ایمانداران در مسیح را به یاد آورید که در زحمت هستند ولی در مسیح پیروز می‌باشند.

• به ایمانداران دیگر به حد کافی نزدیک باشید در حدی که همیشه کسی مواظب شما باشد؛ اطمینان حاصل کنید که کسی در کنار شما هست تا نگذارد در زمان خجالت، احساس گناه یا ترس، عقب‌نشینی کنید یا کنار بکشید.

• (از یوحنا ۸: ۳۱-۳۶) در کلام خدا بمانید و حقیقت را بیشتر بشناسید؛ حقیقت شما را از بند گناه آزاد خواهد کرد؛ خود مسیح حقیقت است و او حقیقتاً شما را آزاد خواهد کرد.

• خود را تماماً و خالصانه به عیسی تقدیم کنید و به خود اجازه ندهید تا گمراه شده یا جذب ایده‌های مذهبی یا رهبران مذهبی جذاب و خوش‌آیند شوید، خود را باکره‌ای بدانید که تنها به عقد مسیح در آمده است.

• نجات، قدرت و اقتدار خود در مسیح را به یاد آورید، که او تاوان همه گناهان (گذشته، حال و آینده) ما را پرداخته است؛ بدانید که در مسیح پاک هستید!

با توجه به موارد ذکر شده در فوق، خود را در کدامیک از توطئه‌های شیطان آسیب‌پذیر می‌بینید؟ چکار باید بکنید تا در برابر تلاشهای او مقاومت کنید. می‌توانید در گروه خود در باره این موضوع (جنبه‌های آسیب‌پذیر خود) صحبت کنید. بدون عجله و با توجه به موضوعات مورد بحث برای یکدیگر دعا کنید.

محافظت روحانی

امیدواریم که این تمرین برای شما مفید باشد و شروعی باشد برای درک تاکتیک‌های تهاجمی دشمن برای شکست دادن ما در زندگی روحانی. در شماره آینده در باره اقتدار روحانی و سلاحی که خدا برای محافظت در مقابل تاکتیک‌های دشمن شریر در اختیار ما قرار داده است (افسیان ۶: ۱۴-۱۸)، مطالعه خواهیم کرد. این مقاله را با مقدمه‌ای بر آیات معروف مربوط به محافظت روحانی (افسیان باب ۶) و چند تفسیر و توضیح به پایان می‌رسانیم.

دیگر اینکه در رابطه خود با خداوند از قدرت عظیم او نیرو بگیرید. زره کاملی را که خدا برای شما تهیه کرده است، بپوشید تا بتوانید در مقابل نیرنگ‌های ابلیس ایستادگی نمایید. زیرا جنگ ما با انسان نیست بلکه ما علیه فرمانروایان و اولیای امور و نیروهای حاکم بر این جهان تاریک و نیروهای شیطانی در آسمان، در جنگ هستیم. از این جهت شما باید زره کاملی را که خدا مهیا کرده است، بپوشید تا در آن روز شریر در برابر حمله‌های دشمن، تاب مقاومت داشته باشید و تا پایان جنگ هم پایدار بمانید. (افسیان ۶: ۱۰-۱۳)

چه اصول مهمی را می‌توانیم از این دعوت تشویق‌آمیز برای جنگ نام ببریم؟ به چند مورد اشاره خواهیم کرد:

• قبل از اینکه زره خداوند را به تن کنیم، باید اطمینان حاصل کنیم که در خصوص بعضی از موارد تدارک دیده شده است. اولاً باید از قدرت عظیم خداوند نیرو بگیریم. در خداوند یا در مسیح قوی بودن، به این معنی است که امنیت خود را در آنچه در مسیح هستید بیابید و نه در آن کسی که در جسم هستید. افسسیان باب یک توضیح می‌دهد که در مسیح که هستیم: مقدسین، دریافت‌کنندگان فیض و سلامتی خدا، برگزیده، مقدس،

بی عیب، فرزندخوانده، پذیرفته‌شده، رهایی‌یافته، بخشیده‌شده، فیض را به فراوانی دریافت‌کرده و الی آخر. آیا خود را چنین می‌بینید، یا بر اساس شخصیت، داشته‌ها و پرونده شخصی خود روی خود حساب باز می‌کنید؟ اگر می‌دانید در عیسی مسیح که هستید، در این نبرد روحانی فرصت جنگیدن خواهید داشت. در غیر اینصورت هیچ شانس ندارید.

• دوم، باید در عظمت قدرت او نیرومند باشیم و نه خودمان. نبرد روحانی مستلزم سلاح روحانی و قوت روحانی (از روح القدس) است. تلاش برای جنگیدن در مقابل دشمن با اتکای بر هوش و ذکاوت شخصی، توانایی حل مسئله، قدرت جسمانی و توانایی مجاب کردن، دانستن راه و چاه و غیره بن‌بستی بیش نخواهد بود.

• سوم، باید زره خداوند را بطور تمام و کمال بر تن کنیم تا در مقابل دشمن مقاوم باشیم. برای توضیحات واضح و آشکار در باره اجزاء مختلف زره خدا (که موضوع مقاله شماره آینده ماست) خودتان را آماده کنید.

• چهارم، هر قدر هم که مردم در مقابل ما بایستند، آنان دشمن واقعی ما در این جنگ نیستند. قدرت‌های ظلمت دشمن واقعی هستند، هر چند ممکن است انسانها را مثل مهره‌های شطرنج مورد استفاده قرار دهند. بنابراین، تمرکز ما در این جنگ باید بر قدرت‌های نادیدنی باشد، و نه انسانهایی که احتمالاً درگیر شده‌اند. در واقع، کتاب مقدس می‌گوید که باید دشمنان خود را دوست بداریم و برای کسانی که به ما آزار می‌رسانند دعا کنیم (لوقا ۶: ۲۷). همانطور که در مقاله ششم (شماره قبل) توضیح داده شد، باید آنانی را که به ما آسیب رسانده‌اند، ببخشیم.

• پنجم، بسیار مناسب است که این درس را در اینجا بپایان برسانیم. اگر آنچه را که کلام خدا می‌گوید به‌جا آوریم و زره کامل خدا را بپوشیم، در مقابل دشمن خواهیم ایستاد و قادر خواهیم بود استوار بمانیم. این وعده‌ای است که می‌توانید روی آن حساب کنید.

دعا

ای پدر آسمانی عزیز، بحث در باره دشمن نادیدنی، ترسناک است و روی اعصاب من تأثیر می‌گذارد. می‌دانم که باید هوشیار باشم ولی کلام تو هرگز به من نمی‌گوید که باید بترسم. کلام تو می‌گوید که روح ترس به من داده نشده است، بلکه قدرت، محبت و خویشتنداری (قضاوت صحیح) (۲ تیموتاؤس ۱: ۷). با وجود این، می‌دانم که لازم است کاملاً به تو توکل کنم، در غیر اینصورت حملات دشمن شریک مرا از پای در خواهد آورد. این یک بازی بچگانه نیست، بلکه امری جدی و واقعی است. بنابراین، خداوند، از صمیم قلب تصمیم گرفته‌ام خود را در حضور تو فروتن سازم، و قدرت خود را در آن چیزی که در تو هستم و در قدرت عظیم تو می‌جویم. از خود قدرتی ندارم. قلب و ذهن مرا برای جنگ آماده ساز، خداوند. مرا سرباز خوبی برای مسیح عیسی بگردان. از همین امروز آغاز می‌کنم و خود را کاملاً تحت قدرت و اختیار مسیح در

می‌آورم. از آن تو هستم، خداوندا. مرا در آزمایش می‌آور، بلکه از شریک مرا رهایی ده. در نام مسیح دعا می‌کنم، آمین.

ترغیب به آرامش و اتحاد

بخش اول

از نوشته‌های جان بانیان

تلخیص از کشیش تَت استیوارت

«سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید.» (افسیان ۴:۳).

مقدمه

در سال ۱۶۸۸، مقاله کوتاهی در باره آرامش و اتحاد در بدن مسیح، در کنار سایر آثار جان بانیان (John Bunyan) انتشار یافت. بانیان در اثر تفرقه‌ها و مشاجراتی که در کلیسای روزگار خود مشاهده می‌کرد، عمیقاً رنج می‌کشید و درست چهار سال پیش از مرگش، احساسات خود را در کتابی به‌نام «زندگی مقدس، زیبایی مسیحیت» منتشر ساخت. او می‌نویسد: «انسان‌ها بیش از آنکه حکم فیض و محبت اجازه می‌دهد، به عقاید خود چسبیده‌اند.» او در نوشته‌های خود این یقین خود را بیان می‌دارد که اختلافات در میان مسیحیان اجازه ظهور می‌یابد تا ایشان را ترغیب به کاوش در کتاب مقدس نماید و ایشان را بر آن دارد تا فیض بردباری را به عمل آورند، چیزی که به باور او، در کلیسای اولیه اجرا می‌شد. اما او از رهبران مسیحی روزگار خود تقاضا می‌کرد تا نگذارند تفسیرهای شخصی از کلام خدا منتهی به گسست روابط و تفرقه‌ها گردد. آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای از این اثر کلاسیک است.

یگانگی روح

این ترغیب که می‌فرماید «سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید»، دعوتی است از همه ایمانداران تا درک کنند که کار روح القدس، ایجاد اتحاد میان ایمانداران است. اتحادی که روح خدا پدید می‌آورد بستگی به این دارد که ایمانداران تا چه حد درکی مشترک از امور الهی دارند. به همین دلیل است که پولس می‌نویسد: «باری، به‌طور شایسته انجیل مسیح رفتار نمایید تا... بشنوم که به یک روح برقرارید و به یک نفس برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید.» (فیلیپیان ۱:۲۷). در این بخش، پولس به بحث در باره اتحاد کلیسا ادامه داده، می‌فرماید که یک «بدن» وجود دارد. به این ترتیب، تعلیم می‌دهد که میان بدن انسان و بدن عرفانی مسیح شباهتی هست. آشکارترین پیامدهایی که می‌توان از این شباهت اخذ کرد، به شرح ذیل است.

در بدن انسان باید روحی باشد که به آن حیات بدهد، زیرا بدن بدون روح مرده است (یعقوب ۲: ۲۶). همین امر در مورد بدن مسیح نیز صدق می‌کند، بدنی که تنها تحت قدرت روح القدس می‌تواند عمل کند. عدم اتحاد و تفرقه غالباً پیامدی است که در کلیساهایی مشاهده می‌شود که در جسم عمل می‌کنند، حال آنکه ثمره ایماندارانی که در حیات مسیح عمل می‌کنند اتحاد است.

بدن انسان دارای مفصل‌ها و بندهایی است که پیوند اندامهای گوناگون را حفظ می‌کند؛ این امر در مورد بدن عرفانی مسیح نیز صدق می‌کند (کولسیان ۲: ۱۹). این همان پیوند محبت است که در افسسیان ۴: ۱۶ ذکر شده که در آن گفته شده که تمام بدن با مفاصل متصل و به هم پیوسته می‌شود و خود را در محبت بنا می‌کند. این همه عدم اتحاد به‌راستی نتیجه روحیه مغرور و محکوم‌کننده و فقدان محبت و فیض نسبت به یکدیگر است.

بدن انسان از سر مشورت و خوراک دریافت می‌کند؛ این امر در مورد بدن عرفانی مسیح نیز صدق می‌کند. مسیح آن مشاور نیکو است و اتحاد در بدن زمانی پدید می‌آید که به سر گوش دهد و از آن اطاعت کند. پولس هشدار می‌دهد که آنانی که به جزئیات تجربیات روحانی شخصی خود می‌پردازند و تفسیرهای شخصی خود را از کتاب مقدس تبلیغ می‌کنند، از برداشتهای نادرست خود مغرور می‌شوند. او اظهار می‌دارد که علت انحراف آنان این است که پیوند خود را با سر از دست داده‌اند (کولسیان ۲: ۱۹). عدم اتحاد غالباً نتیجه کار رهبرانی است که خویشتن را مطرح می‌سازند و دیگران را به اتکا به خودشان سوق می‌دهند تا به وابستگی به مسیح، مسیح که سر است و همه چیزها را با هم مرتبط نگاه می‌دارد (کولسیان ۱: ۱۸).

بدن انسان، اگر روح او جریحه‌دار شود یا مفاصل آن قطع یا جابجا شوند، نمی‌تواند در سلامت به‌سر ببرد. بدن مسیح نیز نمی‌تواند درست عمل کند زمانی که اعضای آن روحی مجروح یا شکسته داشته باشند. «روح شکسته استخوانها را خشک می‌کند.» (امثال ۱۷: ۲۲) و «روح شکسته را کیست که متحمل آن بشود؟» (امثال ۱۸: ۱۴). بسیاری از اوقات، مرگ افراد را می‌توان به شکستگی استخوان یا جراحات روحی نسبت داد. به همین ترتیب، در بدن مسیح نیز وقتی پیوندهای آرامش میان ایمانداران گسسته می‌شود، قلب ایمانداران غالباً مجروح می‌گردد. این زخمهای عمیق می‌تواند سبب شود بسیاری ایمان خود را از دست بدهند، مشارکت با کلیسا را ترک کنند، و نسبت به رهبران بی‌اعتماد شوند. چه حیاتی است که همه مسیحیان بکوشند «یگانگی روح را در رشته سلامتی» حفظ کنند و خود را فروتن ساخته، دست رفاقت بدهند حتی به کسانی که ایشان را جریحه‌دار ساخته‌اند. وقتی روابط از سر گرفته می‌شود، می‌توان به مصالحه و شفا امید داشت. بسیار مهم است که رهبران مسیحی مشارکت و رفاقت با یکدیگر را حفظ کنند و با یکدیگر در جهت پیشرفت انجیل همکاری نمایند.

واقعیت‌های اتحاد ما

اتحاد و آرامشی که مشتاقیم در کلیسای خود ببینیم، هرگز بر پایه شناخت کامل حقیقت استوار نخواهد شد، زیرا این امر هیچ‌گاه در این دنیا میسر نخواهد گردید. باید فرض را بر این بگذاریم که همه ما ممکن است بسیاری از حقایق الهی را ندانیم و حتی ممکن است به اعتقاداتی پایبند باشیم که نادرست هستند. آیا رسول مسیح همین نکته را تعلیم نمی‌دهد وقتی می‌فرماید: «جزئی علمی داریم و جزئی نبوت می‌نماییم.» (اول قرن‌تین ۱۳:۱۲)؟ عهدجدید پر است از اشارات به ایماندارانی که درکی کامل از تعالیم کلام خدا نداشتند. گاه علتش این بوده که کسی وجود نداشته که ایشان را به‌درستی تعلیم دهد، و گاه نیز این امر به‌سبب سنگینی دل ایشان بوده است. لذا بر مبنای شهادت کتاب‌مقدس باید نتیجه بگیریم که مسیحیان ممکن است به‌دلایل بسیار مختلف، از همه حقایق آگاهی نداشته، یا تعالیم نادرستی داشته باشند، اما شرایط ضعیف روحانی ایشان دلیلی قابل قبول نیست تا ایشان را از مشارکت با کلیسا محروم سازیم. هرچه نباشد، ایشان هنوز فرزند خدا نامیده می‌شوند. «هر که شیرخواره باشد، در کلام عدالت نآزموده است.» (عبرانیان ۵:۱۳). و اطفال روحانی نیاز به محبت و تغذیه دارند، به‌گونه‌ای که بتوانند رشد کنند و تبدیل به افرادی شوند که بتوانند میان نیک و بد تشخیص دهند (عبرانیان ۵:۱۴).